



#### حدیث روز

قال الامام الصادق علیه السلام :

قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ تَعْمَلُونَ لِلدُّنْيَا وَأَنْتُمْ تُرَفِّقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ عَمَلٍ، وَلَا تَعْمَلُونَ لِلْآخِرَةِ وَأَنْتُمْ لَا تُرَفِّقُونَ فِيهَا إِلَّا بِالْعَمَلِ!؛

امام صادق علیه السلام:عیسی علیه السلام فرمود: برای دنیا کار می کنید، حال آن که در دنیا بدون کار، روزی شما داده می‌شود ، و برای آخرت که در آن جز با عمل، روزی داده نمی‌شوید، کار نمی کنید!.

## از محبس تا مکتب؛ افغانستان به روایت اولین زندانی سیاسی زن



که در این بخش نماز می‌خواند و باعث ارشاد این بانوان هم می‌شود.
بخش دیگر صحبت‌های محمدحسینی به دوران زندان حسانت و شکنجه‌های صورت‌گرفته اختصاص داشت. او دراین‌باره گفت: خواندن این بخش هم خالی از لطف نیست، شکنجه‌های روحی و روانی به‌شدت و مکرر برای خانم حسانت رخ می‌دهد، بارها او را با اعدام ترسانند، کنار این، شرایط زندگی نیز در زندان مناسب نبوده است، یک دوست همفکر آنجا ندارد، از تنها زندانی زن سیاسی بوده که در بخش زنان نگهداری می‌شد. عدم ملاقات با خانواده آن هم در سن ۱۷سالگی، نداشتن امکانات اولیه زندگی از جمله آب آشامیدنی سالم و... از دیگر محدودت‌هایی بود که او در دوره زندان با آنها دست و پنجه نرم می‌کرد. با وجود این، او از هدف و تلاش خود دست برنمی‌دارد و پس از مدتی، با تلاش یکی از دوستان پدرش مورد عفو قرار می‌گیرد و آزاد می‌شود.

**مبارزه فقط تفنگ به دست‌گرفتن نیست**

این نویسنده با ابراز اینکه «وقتی کتاب «روزهای نزدیک» را مطالعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که مبارزه تنها تفنگ به دست گرفتن نیست، مبارزه راه‌های مختلفی دارد»، ادامه داد: خانم حسانت وقتی به سن قانونی می‌رسد، مبارزه را با بخش اعلامیه و صحبت درباره ظلم و نابرابری در جامعه آغاز می‌کند، مدتی زندانی می‌شود و پس از آزادی، ادامه تحصیل می‌دهد و به کودکان آموزش می‌دهد، در واقع او با این انتخاب، مسیر دیگری از مبارزه را انتخاب می‌کند. این مبارزه فرهنگی



وی در ادامه با اشاره به دیدگاه مرحوم آیت الله میلانی درباره اهمیت درس حوزه‌های علمیه گفت: این عالم بزرگ در جایی می‌فرماید «من لا اصول له، لا فقه له، برو برگردی ندارد» و ما باید بدانیم که اگر کسی نتواند مقدمات فهم کتاب و سنت را به خوبی درک کرده و تعلیم ببیند، توان این را نخواهد داشت که درست فهم کند.

عضو فقهای شورای نگهبان خاطرنشان کرد: این چه حرفی است؟! مگر نه این است که فهم کتاب و سنت، مقدماتی لازم دارد که باید مقدمات آن به درستی تعلیم و آموزش داده بایانندگی و تلاش در این مسیر مهارت کسب

خداوند متعال تخطی کرده‌اند و کسی که در این راه قدم برمی‌دارد، بداند که از خداوند اجر فراوان و دستمزد خود را دریافت خواهد کرد.

عضو فقهای شورای نگهبان با اشاره به ویژگی‌های سربازای امام زمان عجل الله تعالی فرجه گفت: تقوا و خداترسی یکی از ویژگی‌های مهم سربازای امام عصر (عج) است. اگر طلبه‌ای عمر خود را در مسیری صرف کند که مورد انتظار از عالم و شایسته آن نیست، خسارتی را مرتکب شده که پشیمانی آن تا ابد در وجود او خواهد ماند. وی نفوذ کلام را مهم‌ترین عاملی دانست که برای طلاب لازم است تا مردم، روحانیت را مظهر اطاعت از خداوند و دلسوز برای مردم ببینند و نباید طلاب و فضایی حوزه دلبستگی به مادیات و زرق و برق دنیایی داشته باشند.

**عالم تا زمانی که فقیه نباشد، کار آمد نخواهد شد**

آیت الله شب زنده دار با اشاره به اهمیت فقهات در حوزه‌های علمیه تأکید کرد: عالم تا زمانی که فقیه نباشد، کارآمد نخواهد شد. مگر نه این است که فهم کتاب و سنت، مقدماتی لازم دارد که باید مقدمات آن به درستی تعلیم و آموزش داده شود.

کتاب «روزهای نزدیک» روایتی است از قهرمانان پنهان افغانستان، شرحی است از تاریخ اجتماعی و سیاسی افغانستان از زبان اولین زندانی سیاسی زن این کشور.

موضوع زنان در افغانستان همواره به‌عنوان یک چالش اجتماعی در این کشور مطرح بوده است. ریشه‌های عمیق سنت‌ها در این کشور در برابر نسلی که دوست دارد فراتر از این تعصبات، زندگی را جستوجو کند، موضوعی است که در ادوار مختلف سیاسی تکرار شده است. در سال‌های گذشته نیز این موضوع در پدیده‌های مختلف مانند مسئله تحصیل دختران ظهور کرده و واکنش‌های جهانی را در پی داشته است. در حالی که نسل جدید افغانستان تلاش دارد تغییرات بنیادین در زندگی خود ایجاد کند، تصمیمات سیاسی و اجتماعی چندان روی خوش به این اراده‌ها نشان نمی‌دهد.

در بررسی تحول اجتماعی به‌ویژه در حوزه زنان افغانستان، یک موضوع مهم، بررسی سیر آن است، کمتر کسی حتی میان جامعه زنان افغانستان می‌داند که مبارزات سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی زنان این کشور تنها به حدود به یک دهه گذشته نیست و در نمونه‌هایی، می‌توان آن را در دهه‌های پیشین نیز کاوید.

**نگاهی به زندگی اولین زندانی سیاسی زن در افغانستان**

یاسمین حسانت، اولین زندانی زن سیاسی در افغانستان است که در دوره حاکمیت شوروی به‌دلیل فعالیت‌های سیاسی، مدتی طعم حبس را چشیده است؛ آن هم در زندانی که یک زندانی سیاسی حضور نداشته است و عمده زندانیان به‌دلیل مسائل اخلاقی در آنجا نگهداری می‌شده‌اند. کتاب «روزهای نزدیک» که به‌قلم یاسر محمدحسینی نوشته و از سوی انتشارات راه بار به چاپ رسیده، اولین روایت از زندگی این بانوی مبارز است.

نگارش این کتاب با تلاش‌های زنده‌یاد معدهسور رجایی آغاز شد و چندی پیش به سرانجام رسید. کتاب، روایتی است از خاطرات او به‌زبان خودش. حسانت در این کتاب ضمن اشاره به فعالیت‌های سیاسی – که آن را می‌توان یک بُعد از ابعاد زندگی‌اش به‌شمار آورد – به دغدغه‌های فرهنگی و دینی، مسائل اجتماعی، چالش‌های مهاجرین در ایران در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ نیز می‌پردازد.

## آیت‌الله شب‌زنده‌دار: عالمی که فقیه نباشد، کار آمد نیست

عضو فقهای شورای نگهبان با اشاره به اهمیت فقهات در حوزه‌های علمیه تأکید کرد: عالم تا زمانی که فقیه نباشد، کارآمد نخواهد شد. مگر نه این است که فهم کتاب و سنت، مقدماتی لازم دارد که باید مقدمات آن به درستی تعلیم و آموزش داده شود.

گردهمایی سالیانه عز و اخوت، با حضور اساتید، طلاب، پژوهشگران و کادر مجموعه مدارس علمیه آل‌یاسین علیهم‌السلام و مؤسسات پژوهشی مرتبط در شیستان حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها واقع در حرم مطهر حضرت معصومه‌سلام‌الله‌علیها برگزار شد. مراسم با اقامه نماز جماعت ظهر و عصر به امامت حضرت آیت الله محمدمهدی شب زنده دار و قرائت آیاتی چند از کلام‌الله مجید آغاز شد.

آیت الله محمد مهدی شب زنده‌دار در این مراسم با اشاره به اینکه خداوند برای ماندگاری دین خود، راهکاری را به انسان‌ها و مسلمانان معرفی کرده، گفت: این راهکار این است که بخشی از افراد جامعه که برای آنان میسر باشد، مهاجرت کرده و با تفقه در دین، رهنمودهای دین مبین اسلام را به پیروان آن بیان کنند و دستورات خداوند و رسول را در بین مردم ترویج دهند. وی اساس تشکیل حوزه‌های علمیه را هجرت، تفقه دانست و افزود: کسانی که از این امر تخطی کرده و راه دیگری را بپیمایند، از راه

قیمت‌ها در بازار کاغذ تحریر دوباره رو به افزایش گذاشته است، در حالیکه با ریزش چند هزار تومانی دلار مواجه هستیم، قیمت کاغذ تحریر با افزایش ۱۰۰ هزار تومانی مواجه شده است.

قیمت‌ها در بازار ظهورالاسلام دوباره روند افزایشی به خود گرفته است، با وجود اینکه رکود در بازار کاغذ ومقوای تهران حاکم است، برای چندمین بار متوالی در هفته‌های گذشته شاهد افزایش قیمت کاغذ چاپ و تحریر، مقوای پشت طوسی و کاغذ گلاسِه هستیم.

بر اساس این گزارش، قیمت هر بند کاغذ چاپ و تحریر ۷۰ در ۱۰۰ با گرم‌اُ ۸۰ گرم، با افزایش ۱۰۰ هزار تومانی به یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان افزایش یافته است.

هم‌چنین قیمت هر بند کاغذ تحریر ۶۰ در ۷۰ با گرم‌اُ ۷۰ گرم با افزایش ۱۵۰ هزار تومان به بندی یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان افزایش قیمت داده است.
سایر اقلام بازار کاغذ هم‌چون کاغذ روزنامه، گلاسِه، مقوای پشت طوسی و ایندربدر نیز با افزایش همراه بوده است.
به گفته کارشناسان بازار، افزایش قیمت موجود در بازار کاغذ، ناشی از جو روانی ناشی از اتفاقات منطقه است و افزایش قیمت

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۵۵۶

۸ آبان ماه ۱۴۰۳ / با ما همراه شوید

www.serajonline.com – @serajname

#### فرهنگ و هنر

### بررسی تاریخی و قرآنی حکومت انبیای

#### بنی اسرائیل و علل قتل پیامبران



**دبیر پژوهش روزنامه سراج**

**حجت الاسلام دکتر مجتبی خندان**

۱. اعطای حکم، نبوت و کتاب
(وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحَكْمَ وَالنُّبُوَّةَ) (جاثیه: ۱۶)
میراد از «حکَم»، آشنایی با مسائل دینی با تمیز حق از باطل است.۴۸ در برخی از نقل ها، تعداد پیامبرانی که خداوند برای هدایت بنی اسرائیل فرستاد تا هزار نفر نیز ذکر شده است که مهم ترین آنان حضرت موسی(علیه السلام)،نورات را به عنوان کتاب آسمانی برای آنان آورد. این نعمت در آیات دیگر نیز مورد اشاره قرار گرفته است:
(وَأَيُّهَا مُوسَى الْكِتَابُ وَجَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخِلُونَهَا إِذْ يُخْلَصُونَ مِنْ دُونِ الْجِبَالِ) (اسراء: ۲)
چون این کتاب مشتمل بر شریعت حضرت موسی(علیه السلام) بوده است، خداوند از آن به عنوان هدای برای بنی اسرائیل یاد می کند. ۵۰

۲. بهره مندی از روزی طبیب

(...وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ) (جاثیه: ۱۶)
این روزی حلال همان «مَن» و «مَنلوی» است که در برخی از آیات به آن ها اشاره شده.

۳. سایه افکندن ابر

هنگامی که حضرت موسی(علیه السلام) بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات داد و آنان را از مصر بیرون آورد، مدتی بنی اسرائیل در بیابان ها در سرگردانی (تیه) به سر می بردند. در این دوران، چون بنی اسرائیل از شدت گرمای خورشید و تشنگی به تنگ آمده بودند، زبان به اعتراض گشودند و از ادامه مسیر امتناع کردند. خداوند به درخواست حضرت موسی(علیه السلام) ابری فرستاد که روزها آنان را از نور خورشید محافظت می کرد و بر آنان سایه می افکند:
(وَأَرْسَلْنَا عَلَیْکُمُ الْغَمَامَ) (بقره: ۵۷)

۴. برتری بر عالمیان

(يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْذَرُوا بُغْتَىٰ آلِي أَغْتَفُثْ عَلَیْکُمْ وَآلِي فُفُلَتْکُمْ عَلَی الْعَالَمِیْنَ) (بقره: ۱۲۲)

(وَلَقَدْ نَزَّلْنَاهُمْ عَلَی الْعَالَمِیْنَ) (جاثیه: ۱۶)
به دلیل برتری امت حضرت محمد(صلی الله علیه واله)

بر دیگر امت ها، مفسران مراد از «عالمین» را تنها مردمان زمان بنی اسرائیل یا برتری آنان در برخی از موارد مانند کثرت پیامبران یا معجزات واقع شده در زمان آنان و برخورداری از نعمت های فراوانی که در برخی از آیات به آن ها اشاره شده است، می دانند.۵۲

۵. نجات از دشمنان

(يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاکُمْ مِّنْ غَوْکُمْ) (طه: ۸۰)

این مسئله در نجات بنی اسرائیل از دست فرعون بود که خداوند با عبور دانن از دریا و غرق کردن فرعون، آنان را از ستم های فرعون رها نمود.۵۳
در بهرایی بنی اسرائیل از دریا، در آیات دیگری نیز اشاره شده است:
(وَجَازَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْخَبْرَ) (اعراف: ۱۱۸)
این اسارت به قدری برای بنی اسرائیل دشوار بود که در برخی از آیات از آن به «عذاب» تعبیر شده است:
(وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْقَذَابِ الْعَظِيمِ) (دخان: ۳۰)
زیرا بر اساس برخی از آیات، فرعون مردمان بنی اسرائیل را می کشت، زنان و کودکان آنان را به اسارت می برد، (وَإِذْ نَجَّيْنَاکُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَُتْسِوْکُمْ سُوءَ الْعَذَابِ بِئْسَ ثَوْدٌ أَنْتُمْ وَنَحْنُ مُنْقِذُونَ) (توبه: ۲۵)
بنی اسرائیل را از اسارت می نجات داد و آن را به عنوان نعمتی که بنی اسرائیل را از آن برخوردار کرده است، نام می برد:
(وَلَقَدْ جَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ابْنُكَوَا حَافِیًا جَاءَ وَعَدُ الْعَذَابِ لَیْنًا جَنَّا بِکُمْ لَقِیًا) (اسراء: ۱۰۴)
بسیاری از مفسران این سرزمین را «شام» ۵۵ یا مصر دانسته اند.۵۶
اما برخی از مفسران با استنباط به آیه (يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كُتِبَ اللَّهُ لَکُمْ) (مائده: ۲۱)
این سرزمین را «ارض مقدس موعود» تفسیر کرده اند.۵۷
همچنین به آیه دیگری خداوند از همه میراث نهدان سرزمین مصر می شام خبر می دهد:
(وَأَوْزِنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يَشْتَرِفُونَ مِشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَكَثَّ كَلَمَتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود (فلسطین) است. در تعبیر دیگری، از مکانی که بنی اسرائیل در آن ساکن شدند با عنوان «مِیْوَة صدق» یاد شده و خداوند آن را به عنوان نعمتی برای آنان برشمرده است:
(وَلَقَدْ کَلَمْتُ رَبِّکَ الْخَشْنَىٰ عَلَی بَنِي إِسْرَائِيلَ) (اعراف: ۱۳۷)
مفسران با بهره گیری از وصف «بارکنا فیها» معتقد